

محمود جمعه پور

دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران

شماره مقاله: ۳۱۲

تحلیل رهیافت مشارکت سازمانهای سنتی تولید گروهی در بهره‌برداری
بهینه از منابع آب، خاک و توسعه روستایی
(براساس مطالعات میدانی در استان زنجان و خراسان)

Mahmood Jom'eh poor

Doctoral Candidate

University of Tehran

**Analyzing the Approach of Participation of Traditional Group Producing
Organizations in Best Exploiting from Rural Development and Sources
(Water, soil, ...)**

This study attempts to provide an appropriate model for rural development in Iran, based on geographical space conditions and techniques, organizations and systems which identify interaction between rural community and geographical environment. In order to recognize social and economic structure, production system and techniques are used, in detail, a methodology introduced initially based on the participation of ruralists. Then a suitable planning has been presented for the development of the community. In rural communities, the need for reconsideration of this system as a proper framework of rural development has been emphasized.

Data presented in this paper, methodologically and otherwise, is based on the field studies in Zandjan and Khorasan provinces.

مقدمه:

از توسعه روستایی تعاریف متعددی ارائه شده و دیدگاههای متفاوتی درباره اهمیت توسعه روستایی و شیوه‌های دستیابی به آن وجود دارد. به بیان کلی توسعه روستایی را می‌توان فرآیندی در جهت بهبود کمی و کیفی زندگی جامعه روستایی در بستر محیط جغرافیایی دانست. بانک جهانی توسعه روستایی را این گونه تعریف می‌کند: توسعه روستایی راهبردی است که برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم فقیر روستایی طراحی شده است. از آنجا که توسعه روستایی در واقع عاملی برای کاهش فقر است، از این رو باید به نحو بسیار روشن و مناسبی برای افزایش تولید و بالا بردن بهره‌وری طراحی شود. توسعه روستایی به نوین سازی جامعه روستایی می‌پردازد و آن را از یک جامعه منزوی سنتی به جامعه‌ای تغییر خواهد داد که با اقتصاد ملی عجین شده است. بنابراین هدفهای توسعه روستایی در محدوده یک بخش خلاصه نمی‌شود. بلکه مواردی چون بهبود بهره‌وری، افزایش اشتغال، تأمین حداقل قابل قبول غذا، مسکن، آموزش و بهداشت را در برمی‌گیرد.^۱

توسعه روستایی با فضای جغرافیایی که سکونتگاه روستایی در آن استقرار یافته و به عبارت دیگر با قابلیت‌های محیط اطراف و روابط ساختاری روستا با سایر استقرارگاه‌های پیرامون خود در ارتباط است. برنامه‌های توسعه روستایی نیز بایستی براساس این شرایط و قابلیت‌ها استوار باشد تا توسعه روستایی پایدار و مستمر باشد.

توسعه روستایی در حوزه آبخیز:

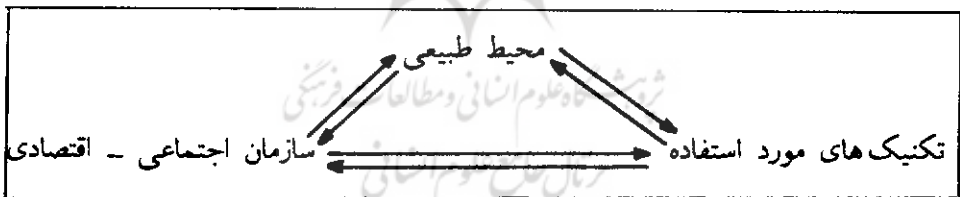
توسعه سکونتگاه‌های روستایی مستقر در یک حوزه آبخیز به عنوان یک واحد اکولوژیکی و طبیعی مجزا با شرایط و روابط متقابل حاکم بر حوزه به عنوان یک واحد سیستمی ارتباط دارد. یک واحد یا حوزه آبخیز عبارتست از: سطحی که به وسیله جریان یک رودخانه یا آب مشخص و محدود می‌شود.

بطور کلی اجزاء تشکیل دهنده یک حوزه آبخیز به عنوان یک واحد طبیعی مستقل یا به عنوان یک واحد سیستمی را می‌توان به دو دسته عوامل طبیعی و انسانی تقسیم کرد. این عوامل در ارتباط متقابل با یکدیگر بوده و کنشهای متقابلی را ایجاد می‌کنند. این سیستم در حالت طبیعی دارای تعادل

۱- مهندسین DVH هلند، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، مرکز تحقیقات مسائل روستایی جهاد

بوده و تغییر در رفتار یا عملکرد یکی از این دو دسته عوامل، باعث به هم خوردن تعادل سیستم می‌شود. برای ایجاد تعادل مجدد واکنش سایر عوامل و به عبارت دیگر فیدبکهای منفی یا مثبت ضروری است.

بنابراین توسعه روستایی در سطح حوزه به عنوان یک واحد محدود و با قابلیت‌های مشخص، باید در راستای بهره‌برداری بهینه از این شرایط برنامه‌ریزی شود. آنچه امروزه به عنوان طرح توسعه مطلوب در سطح جهان مطرح است و بویژه پس از کنفرانس سران زمین و ریودوژانیرو به عنوان منشور ۲۱ و توسعه پایدار مطرح شده است، دستیابی به توسعه با توجه به جنبه‌های زیست محیطی و حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی است که سرمایه مشترک همه نسل‌های گذشته، حال و آینده می‌باشد. به عبارت دیگر توسعه روستایی در سطح حوزه آبخیز، که با بهره‌وری از منابع طبیعی، آب، خاک و پوشش گیاهی حوزه ارتباط دارد نباید به تهی شدن و نابودی این منابع منجر شود بلکه باید به بهره‌برداری از منابع موجود و حفاظت و باروری هر چه بیشتر این منابع بیانجامد. در واقع بهره‌برداری از منابع محدود آب و خاک و سایر منابع طبیعی با استفاده از تکنیک‌های مناسب موجود و ساختار اجتماعی و اقتصادی حاکم بر سکونتگاه روستایی، چیزی جز رابطه متقابل انسان و محیط پیرامون خود که از طریق سطح تکنیک جامعه اعمال می‌شود، نیست.^۲



اگر این روابط متعادل و معقول باشد در دراز مدت هم، ادامه پیدا خواهد کرد اما روابط نامتعادل به سود یا زیان یک سوی این معادله، نابودی طرف مقابل و در واقع هر دو طرف را به همراه خواهند داشت چرا که این دو از هم جدا نیستند. آنچه در گذشته باعث اعتلا یا سقوط جوامع و

۲- تریکارت، ژان. ل. اف، نظرانی چند پیرامون توسعه روستایی از دیدگاه جغرافیای محیط زیست، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۶.

تمدن‌ها شده است نتیجه نحوه بهره‌برداری و مدیریت منابع آب و خاک بوده است که هر زمان در حالت مطلوب خود قرار داشته باعث شکوفایی جوامع شده و بهره‌برداری نامطلوب یا فروپاشی نظام بهره‌برداری و مدیریت منابع نیز باعث سقوط این جوامع گردیده است. بعلاوه در طول زمان در سطح هر حوزه با توجه به شرایط فیزیکی و محیط طبیعی نظام بهره‌برداری و مدیریتی، ساختار اجتماعی و اقتصادی و تکنیک‌های سازمانی خاصی شکل گرفته است که تا حد زیادی هماهنگ با شرایط طبیعی حوزه، تکوین و تکامل یافته است. بنابراین در برنامه‌ریزی توسعه روستایی شناخت ساختار اقتصادی و اجتماعی، سازمان تولید، تکنیک‌های بهره‌برداری گروهی و فردی به همراه شرایط محیط طبیعی باید بدقت مورد توجه قرار گیرند.

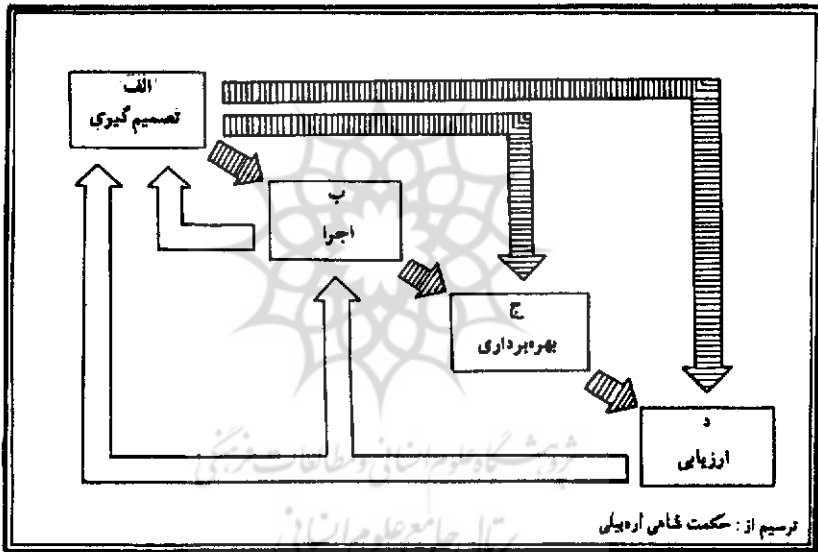
نتیجه این که در فضای جغرافیایی که عوامل متعددی در یک برآیند سیستمی در ارتباط نزدیک با همدیگر قرار دارند، درک این روابط نیازمند به نگرش سیستمی و جامع به مجموعه عوامل طبیعی و انسانی حوزه و برنامه‌ریزی بر مبنای این نگرش است. دستیابی به توسعه روستایی پایدار در سطح حوزه آبخیز نیازمند برانگیختن مشارکت سطوح مختلف جامعه روستایی در مراحل مختلف تهیه و اجرای طرح‌های توسعه می‌باشد. مشارکت جامعه روستایی در فرآیند توسعه به عنوان یک راهبرد توسعه، مستلزم شناخت دقیق ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی به منظور یافتن زمینه‌های مشارکت یا گروه‌های مشارکت پذیر است که اکنون به عنوان یکی از رهیافتهای توسعه روستایی در سطح جهان مطرح می‌باشد.

مشارکت در توسعه روستایی:

واژه مشارکت امروزه کاربرد زیادی یافته و در زمینه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود. بسیاری از برنامه‌ها هدف خود را جلب مشارکت سطح یا سطوحی از جامعه در فرآیند اجرای طرح‌های توسعه قرار داده‌اند و بسیاری از برنامه‌ها بر مبنای مشارکت جامعه در اجرای تمام یا بخشی از آن طرح ریزی می‌شوند. کمتر کسی با این نکته مخالف است که مشارکت مردم اساس موفقیت هر طرح توسعه روستایی است. مسأله تأکید بر اهمیت مشارکت نیست، بلکه در زمینه توسعه روستایی، دستیابی به یک توافق درباره مفهوم این واژه است به شرطی که چنین عملی هم معتبر و هم امکان پذیر باشد.^۳

۳- اوکلی، پیت، مارسدن، دیوید، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نژاد، مرکز تحقیقات روستایی جهاد سازندگی، ۱۳۷۰، ص ۱۲.

سازماندهی مشارکت به مفهوم دخالت دادن عامل انسانی در تمامی مراحل تهیه و اجرای برنامه‌ها (سطوح چهارگانه - شکل ۱) و نه بادیگاه ابزاری و نهاده‌ای، چگونه باید باشد تا حرکتی استمرار دوام یابد؟ و مخاطبین برنامه‌های مشارکتی باید چه کسانی باشند تا امکان دسترسی به تمامی اهداف، در درازمدت، میسر شود؟ برخلاف دیدگاه ابزاری که در آن مشارکت جامعه به عنوان یک نهاده و به صورت مقطعی به کار گرفته می‌شود و بنابراین ممکن است قشر خاصی مورد نظر نباشد و یا سازماندهی مشارکت ضرورت نیابد، در دیدگاه مشارکت همه جانبه، هدف اصلی سازماندهی مشارکتی گروه‌هایی است که بطور فعال در تعیین سرنوشت خود دخالت کرده و نقش جلب و هدایت مشارکت مردمی در سطح جامعه را به صورت حرکتی پویا و همراه با برنامه‌ریزی به عهده گیرند.



شکل شماره ۱- مشارکت در سطوح مختلف طرح^۴

ایجاد این انگیزه در ساکنان منطقه که خودشان شروع به حرکت و ابداع نمایند، یکی از شرطهای اساسی و مهم است. یکی از راههای نیل به این مقصود تشکیل گروههای سازماندهی شده، مانند تعاونیهای کشاورزی، شوراهای محلی و انجمنهای روستایی است. ابزاری که می‌تواند چندین هدف را دنبال کند.^۵

۴ - Cohen and Uphoff, 1976.

۵- مهندسین DHV هلند، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، مرکز تحقیقات مسائل روستایی جهاد

از دیدگاه جغرافیدانان روستایی مشارکت به مفهوم ساماندهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی یا بهره‌وری بهینه در سطوح مختلف تولید کشاورزی می‌باشد. این مهم در گذشته از طریق نظامهای همکاری گروهی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولید کشاورزی انجام می‌گرفته است. امروزه نیز برای دستیابی به یک فرایند توسعه درون‌زا، متکی به خود و پایدار روستایی، بازنگری به سازمانهای همکاری و تولید گروهی سنتی که ریشه در فرهنگ جغرافیای این سرزمین دارند، اجتناب ناپذیر است.

ترویج اجتماعی برای جلب مشارکت مردمی در حوزه آبخیز (برنامه‌ریزی از پایین، هدایت از بالا):

شناخت عامل انسانی با تمامی ابعاد وجودی آن به عنوان یکی از عوامل اصلی فضای جغرافیایی، از آنجا که می‌تواند بر روی سایر عوامل تشکیل دهنده حوزه آبخیز تأثیر بگذارد، در آنها دخل و تصرف کند و باعث تغییرات مثبت یا منفی در آن شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر گونه اقدامی در زمینه مدیریت منابع طبیعی یا حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک نیاز به شناسایی نقش و عملکرد انسان بر روی حوزه آبخیز به عنوان فضای جغرافیایی دارد.



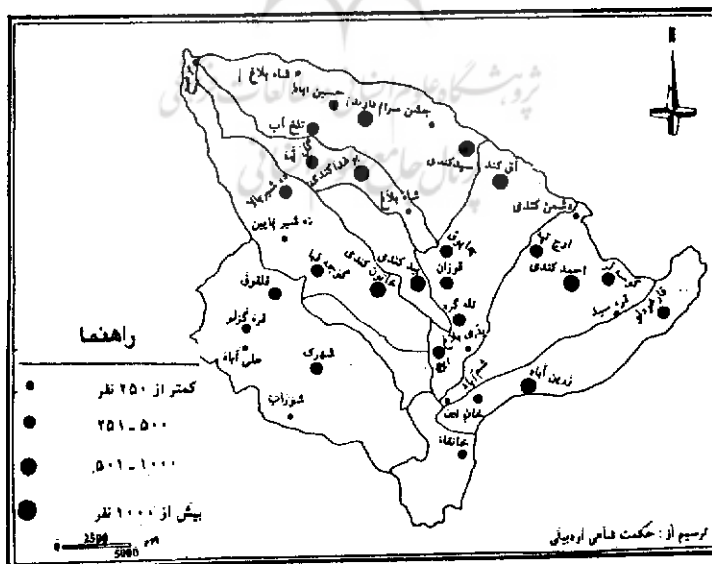
در طرح آموزش و ترویج آبخیزداری که به صورت نمونه در سطح حوزه اوزون دره زنجان و با هدف جلب مشارکت مردم به اجرا در آمد، اولین گام شناخت ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا، سازمان تولید و شیوه‌های بهره‌برداری و مدیریت منابع طبیعی در سطح حوزه است. هر چند ممکن است در یک حوزه آبخیز اجتماعات انسانی مختلفی وجود داشته باشد، ولی

به دلیل ماهیت کار آبخیزداری جامعه مورد بحث در آن جوامع روستایی و کشاورزند که بطور مستقیم با منابع طبیعی خاک و آب ارتباط دارند. جامعه روستایی به دلیل قدمت از پیچیدگی زیادی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی برخوردار است.

ویژگیهای جغرافیایی حوزه آوزون دره:

حوزه آوزون دره با وسعتی حدود ۷۲۰۰۰ هکتار که رودخانه ایجرود از آن منشأ می‌گیرد، یکی از زیرحوزه‌های سجاس رود از شاخه‌های فرعی رودخانه قزل اوزن است. این منطقه در جنوب غربی زنجان، در بخش مرکزی این شهرستان واقع شده است و قسمت اعظم آن در محدوده دهستانی ایجرود قرار دارد. از نظر توپوگرافی منطقه کوهستانی است و به دلیل جنس تشکیلات که غالباً مارن است، دچار فرسایش سطحی شدیدی می‌باشد.

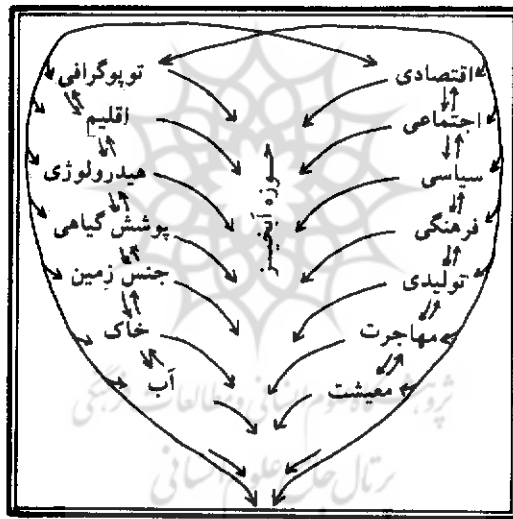
از نظر جمعیتی، بر اساس سرشماری ۱۳۶۵ منطقه مورد نظر دارای ۳۳۳۴۹ نفر جمعیت بوده است که در حدود ۴۰ روستا زندگی می‌کرده‌اند. جمعیت این آبادیها بین ۱۲ تا ۴۶۰ خانوار نوسان داشته است. براساس مطالعات میدانی مهاجرت در سطح روستاهای منطقه بسیار شدید بوده به نحوی که تعدادی از روستاها در سطح منطقه با کاهش جمعیت و تعدادی نیز خالی از سکنه شده‌اند. معیشت در سطح منطقه، مبتنی بر کشاورزی سنتی و غالباً به صورت دیم توأم با دامداری است. (نقشه شماره ۱) نقشه شماره ۱- زیر حوزه‌ها و پراکنندگی جمعیت روستایی در حوزه آوزون دره



ارتباط این جامعه با محیط اطراف خود در طول زمان باعث به وجود آمدن روابط اجتماعی، تولیدی، نهادها، سازمانها و عرف خاصی در سطح روستا شده که بسته به شرایط محیط در مناطق مختلف متفاوت است. قوانین عرفی و سنتی به دلیل شکل‌گیری در طول زمان کاملاً دقیق بوده و با محیط پیرامون خود انطباق خاصی دارد.

بنابراین در هر برنامه‌ای که در ارتباط با جامعه روستایی باشد، شناخت ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا و عملکرد آن ضرورت دارد و بدون توجه به آن هرگونه طرحی نه تنها با موفقیت همراه نخواهد بود، بلکه باعث بروز ناهماهنگی و برهم زدن ساختار سنتی اجتماعی و اقتصادی روستا نیز خواهد شد.

عوامل شکل دهنده حوزه آبخیز



در اجرای مرحله اول طرح آموزش و ترویج آبخیزداری برای شناخت جامعه روستایی حوزه از دو روش استفاده شده است:

۱- پرکردن پرسشنامه:

از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد وضعیت عمومی ده، جمعیت، نظام اجتماعی و قشریندی قومی و طبقاتی، ساختار اقتصادی و سازمانهای تولید روستایی شامل نوع معیشت، نوع تولید، شیوه تولید، نظام مالکیت و تقسیم منابع آب و خاک، گروههای جمعی تولید و ساختار آنها و نظام مدیریت و اداره روستا، نقش رهبران محلی و سایر گروهها در اداره روستا و بالاخره میزان

همکاری جامعه در زمینه‌های مختلف عمرانی، فرهنگی و اجتماعی استفاده شده است. پرسشنامه به صورت باز و با ۵۹ سؤال در پنج زمینه کلی زیر تنظیم شده است:

- الف - وضع کلی ده.
- ب - نظام تقسیم بندی و مدیریت منابع آب کشاورزی .
- ج - نظام زمینداری و تقسیم زمین و سازمان و شیوه تولید کشاورزی.
- د - نظامهای همکاری گروهی در سایر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی .
- ه - آبخیزداری و وضعیت فرسایش خاک.

برای هر کدام از روستاهای حوزه یک پرسشنامه به وسیله کارشناسان آشنا به منطقه و از طریق مصاحبه با ریش سفیدان و آگاهان محلی پر شده است. تکمیل پرسشنامه ده اطلاعات زیادی در مورد سازمان تولید و بهره‌وری از منابع آبخیز، وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاهای حوزه، نحوه اداره و مدیریت منابع آب و خاک و مرتع و تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی در سطح حوزه به دست داده است.

۲- ترویج اجتماعی وگردهمایی مشارکتی با ریش سفیدان و جوق باشی‌ها:

پس از تکمیل پرسشنامه برای هر یک از روستاهای حوزه با توجه به آشنایی کلی که نسبت به ساختار اجتماعی و اقتصادی حوزه به دست آمد و شناسایی سازمانهای سنتی و مدیریت منابع آب و خاک و تولید گروهی که در منطقه جوق نامیده می‌شود و شناخت ریش سفیدان و رهبران محلی هر ده که در منطقه «جوق باشی» نامیده می‌شوند، یک گردهمایی دو روزه در مرکز حوزه در روستای زرین آباد با شرکت «جوق باشی»‌ها، ریش سفیدان و رهبران محلی هر ده به منظور جلب مشارکت روستائیان در زمینه آبخیزداری تشکیل شد. «جوق باشی»‌ها که وظیفه تقسیم و تنظیم مدار چرخش آب و زمین و سرپرستی گروههای همیار جوق در امور کشاورزی را بر عهده داشته‌اند، نه تنها به عنوان مدیر سنتی در امور مربوط به آبیاری و کشاورزی شناخته می‌شوند بلکه در سایر زمینه‌های منابع طبیعی از جمله مدیریت مرتع و یا امور اجتماعی و عمرانی ده نیز نقش مدیر سنتی را برعهده داشته و در میان روستائیان از اعتبار خاصی برخوردار بوده‌اند. این افراد هم به دلیل آشنایی با مسائل آب، خاک، مرتع و تولید کشاورزی و مسائل اجتماعی ده و هم به دلیل اعتبار خاصی که به عنوان رهبران سنتی و ریش سفیدان محلی در سطح جامعه ده دارند، مناسبترین افراد برای آموزش و ترویج آبخیزداری و جلب مشارکت مردمی بودند که می‌توانستند ما را در این راه یاری کنند.

در این گردهمایی که به مدت دو روز برگزار شد، با برپایی جلسات متعدد گفتگوهای مشارکتی

و با استفاده از روشهای ارزیابی سریع روستایی (Rapid rural assessment)^۶ و ترویج اجتماعی (Social animation) سعی شد تا وضعیت موجود روستاهای حوزه و مسائل و مشکلات عمده روستاها شناسایی و با شناخت مسأله، زمینه‌های مناسب برای طرح ریزی برنامه‌های توسعه مشارکتی در سطح روستاهای حوزه مشخص شود.

فرآیند شناخت مسائل و طرح ریزی برنامه‌های توسعه روستایی در روش ترویج اجتماعی که هدف آن برنامه‌ریزی مشارکتی است شامل سه مرحله زیر می‌باشد:

مرحله اول: شناسایی مسائل و مشکلات؛

مرحله دوم: دسته بندی و اولویت بندی مسائل؛

مرحله سوم: طرح ریزی یا تهیه برنامه‌های اجرایی برای حل مسائل.^۷

۱- شناسایی مسائل و مشکلات روستایی:

به منظور شناخت مسائل روستایی حوزه و وضعیت موجود آنها در نشست با ریش سفیدان روستایی، ابتدا این سؤال کلی مطرح شد که مسائل و مشکلات روستای شما چیست؟ یا هر کس مسائل و مشکلات روستای خود را مطرح کند. مسائل مطرح شده توسط هر یک از شرکت کنندگان بر روی تابلو یا کاغذی که در معرض دید همه شرکت کنندگان باشد، ثبت می‌شود. در این مرحله با رقابتی که بین شرکت کنندگان به وجود می‌آید هر کدام از آنها سعی می‌کند که مسائل بیشتری از روستای خود را مطرح کند. در این نشست ممکن است یک یا چند نفر که دارای قدرت بیان بهتری می‌باشند سعی نمایند بیشتر صحبت کرده و یا گفتگو به جای دیگران را نیز به عهده بگیرند. وظیفه کارشناس یا گرداننده جلسه در این جا این است که به تمامی شرکت کنندگان فرصت صحبت بدهد و از افتادن بحث به عهده یک یا چند نفر جلوگیری کند. بحث معمولاً با طرح مسائل و مشکلات رفاهی و عمرانی ملموس جامعه روستایی شروع و بتدریج به طرح مسائل در سایر زمینه‌ها کشیده می‌شود. وظیفه کارشناس یا گرداننده جلسه در این گفتگو اینست که از به بن بست رسیدن بحث یا گرفتار شدن آن در دور بسته گفتگو، جلوگیری کند.

نتیجه این بحث که ممکن است ساعتها نیز به طول بیانجامد فهرستی طولانی و مجموعه‌ای به

۶- فرور، محمد تقی، مشارکت جوامع روستایی در آبخیزداری، طرح مشترک آموزش آبخیزداری، برنامه عمران

ملل متحد و سازمان جنگلها و مراتع کشور، پارک جنگلی نور، مازندران، ۱۳۶۹.

۷- همان منبع.

هم ریخته از مسائل و مشکلات روستاهای حوزه است که خمیر مایه اصلی برنامه‌ریزی مشارکتی و ماده خام برای برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف توسعه و عمران منطقه‌ای است.

۲- دسته بندی و اولویت بندی مسائل:

۲-۱- دسته بندی مسائل:

پس از طرح اولیه مسائل و مشکلات روستاهای حوزه که ممکن است به بیش از دهها مشکل و مسأله طرح شده در زمینه‌های مختلف برسد، چون امکان کار روی تمامی مسائل گوناگون و پراکنده مطرح شده، وجود ندارد، باید ابتدا این مسائل در چند گروه دسته‌بندی و سپس اولویت هر دسته از مسائل مشخص شود. با توجه به این که در ترویج اجتماعی هدف برنامه‌ریزی مشارکتی است، در این مرحله نیز باید سعی شود تا روستائیان شرکت کننده حضور فعالی داشته باشند. دسته بندی مسائل مطرح شده با طرح سؤالاتی مانند: این مسائل را چگونه می‌توانیم دسته‌بندی کنیم؟ یا این مسائل در چند دسته و زیر چه عنوانهایی می‌تواند جای بگیرد؟ یا اگر مسائل مطرح شده را در چند قوطی بریزیم نام هر قوطی چه باید باشد؟ شروع می‌شود. پس از تعیین عناوین اصلی مسائل طرح شده، زیر آن عنوانها طبقه بندی می‌شوند.

درگردهمایی «جوق باشی»های حوزه اوزون دره زنجان، مسائل مطرح شده تحت پنج عنوان

یا گروه زیر، دسته بندی شدند:

۱- مسائل آب و خاک

۲- مسائل رفاهی، آموزشی و مهاجرت

۳- مسائل تولید (زراعی و مرتع)

۴- مسائل تولید مربوط به اعتبارات

۵- مسائل اداری و مدیریت روستا

لازم به ذکر است که ابتدا مسائل در پانزده گروه و سپس در ۵ گروه فوق دسته‌بندی شدند.

۲-۲- اولویت بندی مسائل:

پس از دسته بندی مسائل در چند گروه مشخص، به تعیین اولویت هر گروه می‌پردازیم. با طرح این سؤال که اگر فقط امکان رسیدگی به یک دسته از مشکلات فوق وجود داشته باشد، ابتدا به کدام گروه از مسائل رسیدگی می‌کنید؟ اولویتها را تعیین می‌کنیم. پاسخگویی به این پرسش اغلب کار آسانی نیست و بحثها و گفتگوهای بسیاری را برمی‌انگیزد که خود سبب آگاهی بیشتر شرکت کنندگان نسبت به مسائل و مشکلاتشان می‌شود. پس از یافتن اولویت اول، اولویت سایر دسته‌ها را

نیز به همین ترتیب مشخص می‌کنیم. از همین روش برای تعیین اولویت مسائل در داخل هر گروه از مسائل نیز، می‌توانیم استفاده کنیم. به این ترتیب که زیر عنوانهای هر گروه را گرفته و پس از طبقه‌بندی آنها، اولویت هر طبقه را نیز مشخص می‌کنیم.

نکته جالب در این روش این است که معمولاً بحث با طرح مسائل رفاهی و مشکلات ملموس آغاز می‌شود ولی با ادامه آن و افزایش آگاهی شرکت‌کنندگان نسبت به مسائل، بحث شکل پخته‌تری به خود گرفته و مسائل اصولی‌تری مطرح می‌شود. این امر بخوبی در اولویت بندی مسائل و نتیجه‌گیری از بحثها، نشان داده می‌شود. چنان‌که در این جلسه نیز مسائل مربوط به مدیریت و اداره روستا در اولویت اول و مسائل رفاهی و روبنایی در اولویتهای آخر قرار گرفتند. در این جا روستایی به عنوان برنامه‌ریز و با هدف دستیابی به یک توسعه پایدار سعی در تشخیص و انتخاب درست اولویتهای دارد بدون آن‌که برای این منظور مجبور شده باشد. اولویت‌بندی نهایی مسائل در گردهمایی اوزون دره به صورت زیر بوده است:

۱- آب و خاک

۲- اعتبارات

۳- مسائل رفاهی

۴- مسائل تولیدی

بدین طریق با استفاده از روش ترویج اجتماعی می‌توان در مدت کوتاهی که می‌تواند از چند ساعت تا چند روز به طول انجامد به فهرست کاملی از مسائل و نیازهای جامعه روستایی و اهمیت آنها بر اساس اولویت دست یافت و شناخت نسبتاً دقیقی از روستاهای حوزه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، تولیدی، معیشتی، اجتماعی، آموزشی، رفاهی، عمرانی و... کسب کرد. بدیهی است که با شناخت دقیق مسائل یا زمینه تحقیق و مسلح شدن به ابزار شناخت و آگاهی، برنامه‌ریزی برای حل مشکلات و تهیه طرحهای توسعه بهتر صورت می‌گیرد.

۳- طرح‌ریزی و تهیه برنامه‌های اجرایی:

در این مرحله با توجه به اولویتهای مشخص شده در جلسات مشترک و چهارچوب برنامه کاری ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی و قابلیت‌های فضای جغرافیایی طرح‌ریزی صورت می‌گیرد.

هدف از طرح‌ریزی، بهبود کمی و کیفی سطح زندگی جامعه روستایی از طریق به کارگیری بهینه امکانات و خدمات موجود می‌باشد.

در تهیه برنامه‌های توسعه باید به موارد زیر توجه شود:

الف - اهداف تهیه طرح

ب - بهره‌گیران از طرح

ج - نهاده‌ها و ستاده‌های طرح

سازماندهی گروههای مشارکتی بر پایه گروههای سنتی :

چنان که پیشتر اشاره شد، دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار جوامع روستایی نیاز به سازماندهی نحوه و مکانیزم مشارکت جامعه یا گروههایی از جامعه در فرایند توسعه دارد. این امر مستلزم شناسایی زمینه‌های همکاری گروهی و گروههای اجتماعی، طبقاتی، شغلی و نقاط پیوند و اشتراک گروههای مختلف می‌باشد. شناسایی زمینه‌های همکاری گروهی و سازماندهی گروهها از این نظر ضروریست که اصولاً مشارکت یک پدیده گروهی است و نه فردی. بدیهی است که سازماندهی و ایجاد گروههای همیار نمی‌تواند بدون توجه به ساختار اقتصادی و اجتماعی و پیشینه همکاریهای گروهی در سطح روستا صورت پذیرد. در این راستاست که در رهیافت توسعه مشارکتی در سطح کشورهای مختلف جهان سوم، توسعه بر مبنای گروههای اقتصادی مانند گروههای فقیر، دهقانان، خوش نشینان، کارگران کشاورزی، پیشه‌وران روستایی یا گروههای اجتماعی همچون زنان، ریش سفیدان، رهبران محلی و... مورد توجه قرار گرفته است.

نظام همکاری گروهی در جامعه روستایی ایران تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و محیطی، دارای سابقه‌ای طولانی و ریشه‌های عمیقی در سطح جامعه روستایی می‌باشد. وجود نظامهای همکاری گروهی و تولید جمعی در کشاورزی، دامپروری و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب، زمین، مرتع و دیگر زمینه‌ها برای زمانهای طولانی، امکان ادامه حیات و بقا روستاها را در شرایط دشوار محیط طبیعی ایران میسر ساخته است. هر چند امروزه این اشکال متنوع و پیشرفته همکاری در سطح جامعه روستایی تضعیف شده و یا از بین رفته است ولی زمینه‌های آن هنوز نیز می‌تواند چهارچوب مناسبی برای سازمان‌دهی به توسعه و عمران روستایی با مشارکت مردم باشد.

نظامهایی همچون بنه یا صحرا که در مناطق مختلف ایران به اسامی و اشکال گوناگون و با دلایل و انگیزه‌های مشابه شکل گرفته‌اند، ضمن اعمال مدیریت دقیق در زمینه بهره‌برداری بهینه از منابع آب، خاک، حفاظت منابع طبیعی و اعمال شیوه‌های کشت و نظام تولید زراعی مناسب، امکان فعالیت و تولید کشاورزی را برای کشاورزان میسر می‌ساخته‌اند، در شرایطی که این امکان برای فرد روستایی کشاورز به تنهایی وجود نداشته است.

هر چند تحت تأثیر دگرگونی ساختاری و تحولات اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی در دهه‌های اخیر این نظامها از بین رفته و یا تضعیف شده‌اند، ولی با توجه به تکوین و شکل‌گیری این نظامها در ارتباط با شرایط جغرافیایی و در طول زمان از انطباق زیادی با شرایط محیطی برخوردار بوده و اگر نگوئیم بهترین شیوه تولید، به یقین از مناسبترین شکلها و الگوهای بهره‌برداری کشاورزی بوده‌اند. ویژگیهای مثبت این نظامها و چهارچوب ساختاری آنها با در نظر گرفتن شرایط امروزی جامعه روستایی می‌تواند بسیاری از مسائل کنونی جامعه روستایی در زمینه کشاورزی و بهره‌برداری از منابع طبیعی را حل کند. برای مثال به کارگیری نظام و شیوه کشت هماهنگ در سطح یک مزرعه باعث می‌شده تا از بسیاری مسائل و مشکلاتی که امروزه در کشاورزی خرده‌مالکی با آن مواجه هستیم همچون کوچکی و پراکنده بودن قطعات، پرت آب و خاک، عدم همکاری اعضا و... جلوگیری شود. گوشه‌ای از کارایی این نظام بر اساس مطالعات میدانی در منطقه تربت حیدریه در زیر بیان می‌شود:

نظام سنتی کشت و بهره‌برداری بهینه از آب، خاک، و نیروی انسانی:

نقشه‌های ۲ و ۳ روش و سازو کار کشت در مزرعه خرده مالکی نجم‌آباد روستای کاریزک ناگهانی از توابع تربت حیدریه را که بر اساس مطالعات محلی به دست آمده نشان می‌دهند. منبع آب این مزرعه در گذشته یک رشته قنات بوده و در حال حاضر یک حلقه چاه عمیق می‌باشد. مالکیت مزرعه، خرده مالکی و مدار گردش آب ۱۲ شبانه‌روز و مالکیت اعضا بین ۱۲ تا کمتر از یک ساعت در تغییر می‌باشد. این مزرعه در گذشته به صورت صحراهای خرده‌مالکی و بر اساس نظم و نسق دقیقی اداره می‌شده است. یکی از دلایل انتخاب این مزرعه به عنوان نمونه، نشان دادن این واقعیت است که نظامهای جمعی همچون صحرا یا بنه به علت وجود بزرگ مالکی و نظام ارباب رعیتی نبوده است و این گفته‌ها که چون نظامهای سنتی در ارتباط با نظام ارباب رعیتی شکل گرفته و با از بین رفتن آن دیگر نمی‌تواند وجود داشته باشند را سست و بی‌پایه می‌کند.

مزرعه نجم آباد به سه قسمت ۱- مزرعه بالا یا آیش بالا ۲- مزرعه یا آیش پایین ۳- مزرعه یا آیش برج تقسیم می‌شده است. (توضیح این که در محل به مزرعه آیش گفته می‌شود و به آن قسمت از مزرعه که کشت نشده و به صورت آیش رها می‌شود آیش شیار می‌گویند.)

نقشه شماره (۲) شیوه و نظام کشت سنتی در مزرعه نجم آباد در قالب صحراهای خرده مالکی و به صورت منظم را نشان می‌دهد. بطوری که به صورت دوره‌ای هر سال یکی از مزارع به کشت گندم، یکی به کشت چغندر و دیگری در حالت آیش بوده است. این حالت باعث می‌شده تا در هر

قسمت از سال آب در یکی از این مزارع و در یک جوی جریان یابد و به این ترتیب از هدر رفتن آب برای انتقال به نقاط مختلف مزرعه و قطعات پراکنده یا جویهای متعدد جلوگیری می‌شده است. علاوه بر جلوگیری از پرت آب مزایای دیگری همچون جلوگیری از پرت زمین، جلوگیری از پرت نیروی کار کشاورزی در اثر جا به جایی در قطعات پراکنده، امکان رسیدگی بیشتر به مزرعه، امکان همکاری بیشتر افراد با همدیگر، امکان حفاظت بهتر مزرعه و امنیت بیشتر آن را به همراه داشته است. می‌بینیم که با رعایت نظام کشت براساس یک نظام ساده و دقیق عملاً مشکل کوچکی و پراکنده بودن قطعات که امروزه به عنوان معضل بزرگ کشاورزی مطرح است از میان رفته و با کشت یکپارچه برپایه رعایت نظام کشت و تناوب زراعی، نیازی به یکپارچگی قطعات زراعی که امروزه به عنوان تنها راه حل پیشنهاد می‌شود وجود نداشته است.

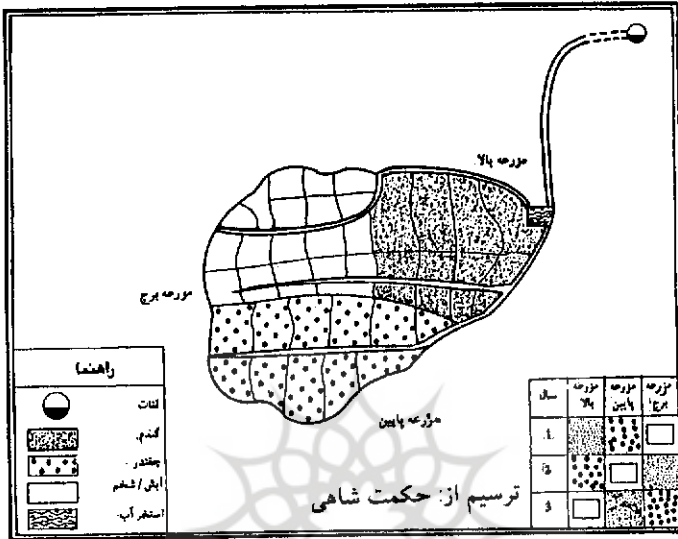
نقشه (۲) شیوه و نظام کشت سنتی در مزرعه نجم آباد روستای کاربزرگ ناگهانی شهرستان تربت حیدریه (صحرای خرده مالکی) را نشان می‌دهد. استفاده بهینه از منابع آب و خاک در نظام سنتی مبتنی بر همکاری گروهی فوق دست کم مزایای زیر را دربردارد: (نقشه شماره ۲)

- ۱- جلوگیری از پرت آب و به هدر رفتن آن در مسیر جویهای متعدد.
- ۲- حفاظت و لایروبی مرتب قنات جویهای مزرعه با همکاری جمعی.
- ۳- مدیریت منابع آب و خاک و استفاده بهینه از آنها.
- ۴- افزایش امکان همکاری گروهی با کشت یک جا و افزایش کارایی.
- ۵- جلوگیری از پرت نیروی کار در اثر جا به جایی در قطعات پراکنده.
- ۶- افزایش امنیت مزارع و سهولت حفاظت از آب.
- ۷- امکان استفاده از آیش به عنوان مرتع.
- ۸- ذخیره شبانه آب در استخر و آبیاری روزانه.

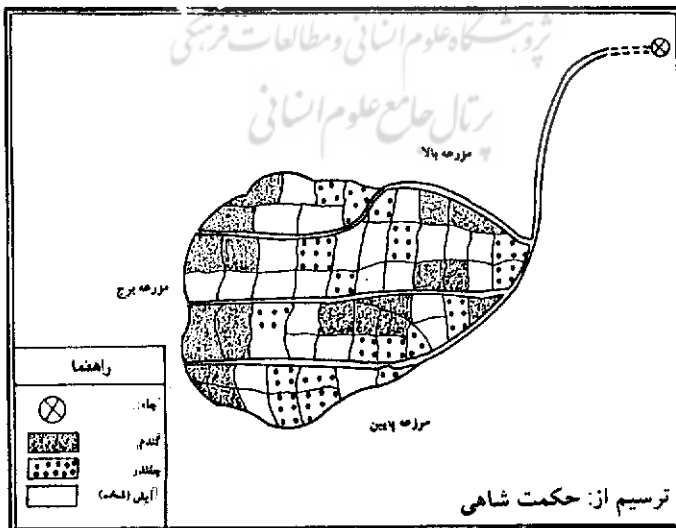
در نقشه (۳) کشت در سطح مزرعه، در حال حاضر، که بدون نظم و نسق خاصی و به صورت انفرادی صورت می‌گیرد نشان داده شده است. در این شیوه کشت است که پرت آب، زمین، کوچک بودن و پراکنده‌گی قطعات، به هدر رفتن نیروی کشاورز، عدم امنیت مزرعه، تخریب جویها، عدم لایروبی بموقع آنها و عدم همکاری و تک روی افراد دیده می‌شود.

فروپاشی نظام کشت و همکاری سنتی اشاره شده در فوق و کشت انفرادی در قطعات کوچک و پراکنده بدون هیچ گونه هماهنگی در بین زارعین و بدون رعایت هرگونه نظم و نسقی این معایب

نقشه شماره ۲- شیوه و نظام کشت سنتی در مزرعه نجم آباد تربت حیدریه (صحرای خرده مالکی) (روستای کاریزک ناگهانی).



نقشه شماره ۳- کشت انفرادی در مزرعه نجم آباد از روستای کاریزک ناگهانی، تربت حیدریه (سال ۱۳۷۰ پس از اصلاحات اراضی، کشت انفرادی)



را به همراه داشته است:

- ۱- افزایش پرت آب در اثر انتقال در جویهای متعدد.
- ۲- کوچک و پراکنده شدن قطعات.
- ۳- به هدر رفتن نیروی کار در اثر حرکت در بین قطعات متعدد و پراکنده.
- ۴- عدم همکاری بین افراد.
- ۵- عدم لایروبی جویها یا لایروبی ناقص آنها.
- ۶- عدم رسیدگی کافی به قطعات متعدد و پراکنده.
- ۷- عدم امنیت کشتها به دلیل پراکنده بودن آنها.
- ۸- افزایش انواع کشتها.

نتیجه:

مقایسه این دو شکل، مزایای بهره‌برداری کشاورزی در قالب نظامهای همکاری جمعی سستی را در مقابل کشاورزی خرده مالکی انفرادی نشان می‌دهد. در چهارچوب نظام بهره‌برداری گروهی در مقایسه با کشاورزی خرده مالکی انفرادی، منابع آب و خاک به صورت بهینه مورد استفاده قرار می‌گیرند و کشاورزان در قالب یک نظام دقیق همکاری گروهی از منابع در دسترس، بدون لطمه به این منابع، حداکثر بهره‌برداری را می‌کنند.

کشاورزانی که این نظام را تجربه کرده‌اند نیز بخوبی به مزایای آن واقفند و دارای تجارب مفیدی در این زمینه می‌باشند. این تجارت می‌تواند در حل بسیاری از مسائل و مشکلات روستایی، کشاورزی، حفاظت منابع طبیعی، آب، خاک، مرتع، آبخیزداری و فرآیند توسعه روستایی مورد استفاده واقع شود و نباید بهانه سستی بودن به فراموشی سپرده شود.

استفاده از چهارچوب این سازمانها برای برانگیختن مشارکت مردم در جریان توسعه و استفاده از تجارب همکاری گروهی می‌تواند زمینه مناسبی برای سازماندهی گروههای مشارکتی و همکاری سازمان یافته مردم در جریان توسعه روستایی باشد. حتی گرایشهایی در بین کشاورزان برای احیاء مجدد نظام صحرا در گفتگو با آنها در همین منطقه دیده می‌شود. این نظام تولید کشاورزی می‌تواند با تغییرات متناسب با شرایط روز به عنوان یک نظام بهره‌برداری مناسب در سطح کشور مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- ۱- مهندسین مشاور DHV هلند، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، مرکز تحقیقات مسائل روستایی، جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲- اوکلی، پیترا، مارسدن، دیوید، رهیافت مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه محمود کرم نژاد، مرکز تحقیقات روستایی جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۳- فرور، محمد تقی، مشارکت جوامع روستایی در آبخیزداری، طرح آموزش آبخیزداری، برنامه عمران ملل متحد و سازمان جنگلها و مراتع کشور، پارک جنگلی نور، مازندران، ۱۳۶۹.
- ۴- فرور، محمد تقی، جمعه پور، محمود، مشارکت جوامع روستایی در آموزش و ترویج آبخیزداری حوزه اوزون دره زنجان، طرح مشترک سازمان کشاورزی و خواربار جهانی (FAO) و وزارت کشاورزی (جهاد سازندگی).
- ۵- جمعه پور، محمود، سازمانهای تولید و بهره‌برداری گروهی سنتی، طرح ملی استراتژی توسعه پایدار سرزمین، طرح مشترک سازمان محیط زیست و برنامه عمران ملل متحد (UNDP).